

تحریک کنندگان تخریب اموال مردم از خارج نیز قابل پیگرد هستند

کسی که یک جوان خام را تحریک می کند تا اغتشاش و تخریب کند، می شود از این باب او را تفهیم اتهام کرد

■ سجاد آذری

رئیس دیوان عالی کشور وعده داده است پرونده تهییج کنندگان اغتشاشات اخیر به صورت خاص پیگیری شود. او اخیراً گفته بود: «در رابطه با کسانی که حتی در صحنه حضور نداشتند اما با تهییج دیگران کسب و کار خود را تعطیل و عده‌ای را تحریک کردند که موجب شد به اموال بیت‌المال و اموال مردم خسارت وارد شود، باید پرونده‌های خاص تشکیل داد.» یکی از مسائلی که معمولاً در اغتشاشات مورد بی توجهی قرار می گیرد مجازات افرادی است که هر چند خودشان در اغتشاشات شرکت نمی کنند اما عملاً با تحریک می‌اندازند. در این میان برخی کسب و کارهایی که اصلاً هیچ دخالتی در اغتشاشات هم نداشته‌اند ممکن است در آتش این فتنه‌گری بسوزند. اکنون به نظر می‌رسد قوه قضائیه عزم خود را جزم کرده تا اینگونه افراد نیز در عدالت بیرون نمانند. در گفت‌وگوی «جوان» با عباس کریمی، قاضی دادگاه کیفری مسئله جرائم اتفاق افتاده در اغتشاشات اخیر و نوع مجازات اشخاص حقیقی و حقوقی را که به هر نحوی در این اغتشاشات دست داشته‌اند مورد بررسی قرار داده‌ایم.

خساراتی که در اغتشاشات اخیر وارد شده چطور و از چه کسانی قابل مطالبه است؟

من این سؤال را دو قسمت می‌کنم؛ یکی از باب خساراتی که به مردم وارد شده و دیگری خساراتی که به اموال عمومی وارد شده است. ولی قبل از آن مسئله اولی که باید در این باره تعیین تکلیف شود عنوان اتهامی افرادی است که در امنیت عمومی اخلال کردند که می‌تواند صراحتاً به عنوان جرائم علیه امنیت ملی باشد و حتی این اعمالی که مرتکب شده‌اند بار بین‌المللی پیدا می‌کند. همچنین در قوانین ما نیز در فصل اول قانون تعزیرات موضوع امنیت داخلی مصداق دارد.

حال افرادی که شعار دادند و شعارنویسی کردند اولاً مصداق تبلیغ علیه نظام هستند. اگر این را به شکل عمومی منتشر کنند انتشار آن نیز عنوان مجرمانه دارد، اگر احین شعار دادن توهینی به مقام معظم رهبری داشته باشند این خودش عنوان مجرمانه دیگری دارد که از شش ماه تا دو سال حبس دارد. اینها مقدمه‌ای بود برای اینکه مشخص شود دامنه نقض قوانین این افراد به شدت گسترده است و افعالی که انجام می‌شود ممکن است شامل چندین عنوان مجرمانه باشد چه اقداماتی که حین ارتکاب جرم انجام و چه افعالی که به شکل خاص اعم از شعارنویسی یا شعاردهی انجام می‌داده‌اند.

اما افرادی که حین ارتکاب جرم ملاحظه شدند چه دست به سلاح برند و چه دست به سلاح نزنند به نظر من محارب محسوب می‌شوند و مصداق آیه قرآن هستند که می‌گویند هر کس که در زمین بیم از آن باشد محارب باشد و مصداق این بیم نیز عرفی و عمومی است که یک انسان آزاده متعارف در خیابان بیم از فرد داشته باشد این مصداق محاربی است که در قرآن به آن اشاره شده است. پس اولین و ابتدایی‌ترین اتهام درباره آنها محاربه است و این علاوه بر جرائم تعزیری است که بعد بین‌المللی نیز پیدا کرده‌است. قوانین دیگری که می‌شود به آنها منتسب کرد عنوان بغی است. چون به گزارش مراجع امنیتی و اطلاعاتی در جریان ارتکاب جرم از سوسی افراد آشوبگر بین آنها توزیع سلاح انجام شده و این توزیع سلاح نیز به قصد کشیدن آن و ایجاد رعب و وحشت بین مردم بوده است، افرادی که دست به قیام مسلحانه زدند و از سلاح گرم چه میان مردم و چه میان مأموران استفاده و تیراندازی کردند باغی محسوب می‌شوند و انگیزه، رفتار و افعال شان قیام مسلحانه بر علیه اساس نظام جمهوری اسلامی بوده است و در این شرایط باغی محسوب می‌شوند. البته باغی در فقه ما یکی از مصادیق اختلافی است که به نظر من مشمول مجازات اعدام یا سلب حیات هم می‌شود.

از سوسی دیگر برخی آقایان برای عنوان مجرمانه این افراد مفسد فی الارض هم تلقی می‌کنند و می‌گویند این افراد به شکل گسترده اقدام علیه امنیت ملی انجام داده‌اند و اگر این تفسیر را قبول کنیم این اقدامات شامل افساد فی الارض هم می‌شود و مصداق ماده ۲۸ قانون مجازات هم است و موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور شده‌اند و هم خسارت شدید بوده است. با این حال عنوان درستی که می‌توان در مورد این افراد لحاظ کرد عنوان محارب و بغی است.

الان که عنوان جرم این افراد مشخص شده در باره جبران خساراتی که به اموال مردم و بیت‌المال وارد شده است باید چه کنیم؟

حاکم اسلامی وظیفه تأمین جان، مال و امنیت مردم را دارد و در جایی هم که فردی که جنایت بر آن وارد شده اگر اولیای دم نداشته باشد، ولی دم آن حاکم اسلامی محسوب می‌شود یا اگر وراثی نداشت امام معصوم وارث او محسوب می‌شود و اینجا هم می‌شود از این قاعده استفاده کرد و براین اساس امام معصوم، حاکم اسلامی و حکومت اسلامی موظف به جبران خسارت است با این قید که اگر آن اموال، اموال عمومی است و متعلق به شخص خاصی نیست که خود دولت مکلف است برآورد خسارت کند و مثلاً اموال عمومی را که متعلق به شهرداری یا دیگر از گان هاست تعیین خسارت کند و فرق نمی‌کند این اموال دولتی باشد یا مورد استفاده عموم مردم باشد. اگر آن اموالی که تخریب شده است مثلاً بانک یا شهرداری هانیاشد و مالک خصوصی و خاص داشته باشد مال طلق خصوصی افراد است و مرتکبان و مباشران جرم به وسیله کارهای اطلاعاتی و امنیتی شناسایی شوند، یعنی

در پی وقوع اغتشاشات اخیر، دستگاه قضایی کشور مواضع صریح و بعضاً کاسه‌بایقه‌ای درباره ماهیت این وقایع، نوع جرائم ارتکابی و مجازات‌های پیش‌بینی‌شده برای عاملان، محرکان و حامیان آن اتخاذ کرده است. قوه قضائیه با تأکید بر تفکیک متعرض از اغتشاشگر، اعلام کرده است با عناصر خشونت‌طلب، سازمان‌یافته و مرتبط با دشمنان خارجی، برخوردی قاطع، سریع و مبتنی بر قوانین کیفری خواهد داشت.
حجت‌الاسلام غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه، در چندین سخنرانی رسمی، اغتشاشات سال ۱۴۰۴ را فراتر از اعتراضات اجتماعی دانسته و آن را پروژهای سازمان‌یافته با نقش‌آفرینی دشمنان خارجی توصیف کرده است. او تأکید کرده است: «از این پس هیچ‌گونه اغماضی نسبت به کسانی که به دشمن کمک می‌کنند، چه در میدان عمل و چه در عرصه رسانه و تبلیغات، صورت نخواهد گرفت.» محسنی اژه‌ای تصریح کرده دستگاه قضایی موظف است با آمران، عاملان و مباشران اغتشاشات برخورد کند و اجازه ندهد امنیت عمومی، جان مردم و اموال عمومی و خصوصی مورد تعرض قرار گیرد. از منظر رئیس قوه قضائیه، سرعت در رسیدگی، دقت در تشخیص جرم و اجرای قاطع احکام، سه اصل محوری بر خورد با این پرونده‌هاست. همچنین اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه در نشست‌های خبری متعدد به تشریح نگاه حقوقی دستگاه قضا به اغتشاشات سال ۱۴۰۴ پرداخته است. او صراحتاً اعلام کرده است: «نیجه در این حوادث رخ داده، در بسیاری از موارد مصداق «اغتشاش»، «ایجاد رعب و وحشت»، «تخریب گسترده اموال عمومی و خصوصی» و حتی «اقدامات تروریستی» بوده است. برای همه این عناوین، در قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران مجازات مشخص و بعضاً سنگین پیش‌بینی شده است.» سخنگوی قوه قضائیه همچنین تأکید کرده است به دستور رئیس قوه و دادستان کل کشور، پرونده اغتشاشگران بدون اتاله دادرسی و خارج از نوبت رسیدگی می‌شود و هیچ‌کس مصونیت قضایی نخواهد داشت.

محمد موحدی‌آزاد، دادستان کل کشور، همچنین یکی از صریح‌ترین مواضع را درباره مسئولیت کیفری اغتشاشات اتخاذ کرده است. او تأکید کرده که صرف حضور در صحنه اغتشاش تنها معیار تعقیب نیست. کسانی که تأمین مالی، رسانه‌ای، تبلیغاتی یا سازمانی اغتشاشات را بر عهده داشته‌اند نیز تحت پیگرد قرار خواهند گرفت. دادستان کل کشور همچنین تصریح کرده است خسارات وارده به اموال عمومی و بیت‌المال باید از مسببان و حامیان اصلی اغتشاشات اخذ شود و این افراد نمی‌توانند از مسئولیت مدنی و کیفری فرار کنند.

از سوی دیگر در سطح استان‌ها نیز دادستان‌های عمومی و انقلاب، جزئیات بیشتری از جرائم انتسابی به اغتشاشگران ارائه کرده‌اند. به طور مثال عباس نجفی، دادستان همدان اعلام کرده است برای بازداشت‌شدگان اغتشاشات سال ۱۴۰۴ پرونده قضایی تشکیل شده است و هر اقدامی که منجر به «اخلال در نظم عمومی»، «ایجاد ناامنی»، «تخریب اموال عمومی یا خصوصی» و «تعرض به جان یا مال مردم» شود، جرم محسوب می‌شود. او همچنین بر تفکیک میان «افراد فریب‌خورده یا هیجانی» و «عناصر سازمان‌یافته و خشونت‌طلب» تأکید کرده است.

بر اساس مجموع اظهارات مقامات قضایی، مهم‌ترین جرائم انتسابی به اغتشاشگران سال ۱۴۰۴ عبارت از اخلال در نظم و امنیت عمومی، تخریب و آتش‌زدن اموال عمومی و خصوصی، ایجاد رعب، وحشت و ناامنی در جامعه، حمله به نیروهای انتظامی و امنیتی، تبلیغ علیه نظام و

مشخص شود ملک یا وسیله نقلیه این شخص به دست آن شخص آتش زده شده است این فرد اگر شناسایی شود علاوه بر اتهامات دیگر مسئول جبران خسارت هم است.
اگر کسی بازداشت شد که هم مثلاً به جرم محاربه یا باید اعدام شود و هم خسارتی وارد کرده باشد تکلیف چیست؟

بحث جبران خسارت یک بحث تعزیری است. یعنی بحث تخریبی که انجام داده یک مسئله است و بحث بغی یا محاربه نیز یک بحث حدی دیگر است و اینها یا یکدیگر قابل جمع است، یعنی مجازات تعزیری انجام می‌شود و مجازات حدی هم جای خودش را دارد و جنس مجازات‌ها مختلف است.

حالا یک نفر تخریبی انجام نداده ولی

“

ما می‌توانیم رأیی صادر کنیم و بگوییم متهم در کشور یافت نشده و رأی غیابی صادر شده است. مثلاً طرف فکر می‌کند به تحریک فلان فرد مغازداشت تخریب شده می‌رود شکایتش را انجام می‌دهد و اگر در مراجع قضایی ما وارد نشده شد به شکل غیابی رسیدگی می‌شود و این رأی می‌ماند تا زمانی که برای اعمال مجازات به آن مجرم دسترسی پیدا کنند

ببایند تحریک کنند و تحریک آنها دائر بر سببیت باشد دیگر عنوان تحریک هم پیدا نمی‌کند و دائر بر سببیت بر جنایت می‌شود و آن سبب یا فاعل معنوی اقوی از مباشر است. مثلاً کسی که یک جوان خام را تحریک کرده تا اغتشاش و تخریب کند را می‌شود از این باب تفهیم اتهام کرد.

برخی از این افراد خارج از کشور هستند. مثلاً یا مجری شبکه‌ای مانند اینترنشنال هستند یا اصلاً یک بازیگر یا خبرنگاری که بیرون از مرزهاست و ملت را تحریک به آشوب می‌کند. اینها اگر ان‌شاءالله روزی به دست جمهوری اسلامی ایران بیفتند می‌شود بر اساس اینکه خارج از کشور این کارها را انجام می‌دادند مورد مجازات قرار گیرند؟

در قانون جدید مجازات ما اصل صلاحیت متفعل کیفری به رسمیت شناخته شده است و عطف بماسبق هم می‌شود. اگر این افراد به هر علتی در داخل ایران یافت شوند هر چند در قدیم جرمی انجام داده باشند بر اساس صلاحیت سرزمینی و صلاحیت واقعی مان می‌توانیم به این جرائم رسیدگی کنیم و منع قانونی هم ندارد. اکنون ماده ۸ قانون مجازات اسلامی ما اصل صلاحیت شخصی متفعل را نیز به رسمیت شناخته است. یعنی قبلاً صلاحیت شخصی فعال را در قانون مجازات اسلامی داشتیم. قانون جدید آمد و این را احصا کرد و بر این اساس هر شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه منافع کشور اقدامی انجام دهد و در کشور ما یافت شود طبق قانون ما رسیدگی می‌شود و منع قانونی در این خصوص نداریم. اگر شخص ایرانی باشد که مشخص است صلاحیت شخصی است و به حساب اینکه ایرانی است در کشور ما مجازات می‌شود، ولی اگر قطع عضو یا تبعید طبق قانون مجازات اسلامی، پیش‌بینی شده است. برای اخلال در نظم عمومی و تخریب اموال، حبس‌های تعزیری چندساله، جزای نقدی و شلاق تعزیری امکانپذیر است. در موارد همکاری با دشمن یا اقدامات علیه امنیت ملی نیز مجازات‌های شدید امنیتی اعمال خواهد شد.



و محرومیت‌های اجتماعی بوده است و روند صدور احکام ادامه دارد.
در کنار این مواضع، مقامات قضایی بارها اعلام کرده‌اند افرادی که بدون ارتکاب خشونت و صرفاً از روی هیجان در تجمعات حضور داشته‌اند، ممکن است مشمول تخفیف، تعلیق مجازات یا ارفات اسلامی شوند اما عناصر اصلی، لیدرها، عوامل مسلح و تخریبگر، مشمول هیچ‌گونه تساهل نخواهند بود. اظهارات مقامات قضایی درباره اغتشاشات سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد قوه قضائیه این وقایع را مسئله‌ای امنیتی، سازمان‌یافته و دارای ابعاد حقوقی سنگین می‌داند. بر همین اساس جرائمی چون محاربه، اخلال در نظم عمومی، تخریب، همکاری با دشمن و تبلیغ علیه نظام مطرح شده‌اند. مجازات‌هایی از حبس‌های طولانی تا شدیدترین مجازات‌های قانونی پیش‌بینی شده است.

و محرومیت‌های اجتماعی بوده است و روند صدور احکام ادامه دارد.

در کنار این مواضع، مقامات قضایی بارها اعلام کرده‌اند افرادی که بدون ارتکاب خشونت و صرفاً از روی هیجان در تجمعات حضور داشته‌اند، ممکن است مشمول تخفیف، تعلیق مجازات یا ارفات اسلامی شوند اما عناصر اصلی، لیدرها، عوامل مسلح و تخریبگر، مشمول هیچ‌گونه تساهل نخواهند بود. اظهارات مقامات قضایی درباره اغتشاشات سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد قوه قضائیه این وقایع را مسئله‌ای امنیتی، سازمان‌یافته و دارای ابعاد حقوقی سنگین می‌داند. بر همین اساس جرائمی چون محاربه، اخلال در نظم عمومی، تخریب، همکاری با دشمن و تبلیغ علیه نظام مطرح شده‌اند. مجازات‌هایی از حبس‌های طولانی تا شدیدترین مجازات‌های قانونی پیش‌بینی شده است.

امنیت ملی ما پیش‌بینی شده است اگر افرادی، افراد دیگر را تحریک یا ترغیب برای جرائم علیه ملی کنند مجازات خاص دارد، اما تعقیب معاونت بین اشخاص حقوقی محل اختلاف است. بعضی افراد می‌گویند چون معاونت فعل مثبت است و وحدت قصد می‌خواهد در جرائم عمدی نسبت به شخص حقوقی نری‌نابند، اما افرادی هم هستند که می‌گویند به استناد مواد ۱۲۶ و ۱۲۷ قانون مجازات حتی اگر شخص حقوقی باشد مدیرعامل آن مجموعه و اشخاص حقیقی مسئول را به اعتبار مسئولیت‌شان می‌توان به اتهام معاونت به آنها تفهیم اتهام کرد و منعی هم ندارد که شخص حقوقی مسئولیت پیدا کند.

تا کجا می‌توانیم این بار مالی را به این